

فرهنگ اصطلاحات ثبتی

سید جلیل محمدی *

اشاره:

سظوری که در پی می‌آید بخشی از تألیف ارزشمند آقای سید جلیل محمدی، دادستان انتظامی سردفتران و دفترباران با عنوان «فرهنگ اصطلاحات ثبت اسناد و املاک» است که مدت‌هاست در زمینه تألیف و تدوین آن همت کرده‌اند و سعی دارند در تألیف منظور که کلیه لغات و اصطلاحات مربوط به اوزان، مشاغل، اراضی، املاک، آب و خاک و کشاورزی را خصوصاً از منابع، مدارک و قباله‌ها و پرونده‌های کهن و نیز بر مبنای کتب تاریخی و سوابق ثبت اسناد و املاک گرد آورده و معانی و مفاهیم خاص اصطلاحی این فنون را برای کلمات برگزیده، انتخاب و ذکر کنند.

ضمن آرزوی موفقیت مشارالیه و همه کسانی که قدمی برای تعالی فرهنگ و دانش بر می‌دارند، بخشی دیگر از تألیف مشارالیه را از نظرتان می‌گذرانیم:



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آجورا - کوره خشت پزی. چار. (مهدب الاسماء). (لغت نامه دهخدا).
مربع. صد آر مطابق یک هکتار است. (فرهنگ عمید)

آخر - عاقبت، سرانجام، اخیر، پایان، فرجام. (لغت نامه دهخدا) || آخر مُدت: پایان کار، سرانجام.
آر - آسیاب، آسیا، آرَقَه، آسیو. (خوانسار) || شش دانگ یک باب آر
واقعه در محله دم دوراه.

- در نکاح منقطع موت زن در اثنای مدت موجب سقوط مهر نمی شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند. (ماده ۱۰۹۶ ق.م).
آراء - جمع رأی. اندیشه ها. (فرهنگ عمید) || حکم ها، نظرها، آرای هیأت نظارت و شورای عالی ثبت که برای رفع مشکلات و اختلافات ثبتی صادر می شود به هیأت نظارت و شورای عالی ثبت رجوع شود.
آداک - خشکی میان آب، آبخوست. جزیره مانند. (لغت نامه دهخدا)

آدمک سر پالیز - مترسک. داهول، داحول، مَترس. چولغزک. (لغت نامه دهخدا) || حَسَنک (خوانسار)
آراشید - پسته زمینی، بادام زمینی، بادام خاکی و روغنی که از آن می گیرند. (فرهنگ عمید)

آر - واحد مقیاس سطح برابر صد متر

آرتزین - (فرانسوی) چاه جهنمد.

ساختمان، معمار. (فرهنگ عمید)
 آرشیو - (فرانسوی). بایگانی.
 (فرهنگستان) || بایگانی، جایی که
 اسناد ادارات دولتی یا بنگاههای ملی
 نگاهداری می‌شود. مجموعهٔ اوراق و
 اسناد که آنها را در جای مخصوص نگاه
 دارند. (فرهنگ عمید)

آرشیویست - (فرانسوی) بایگان،
 ضابط. کسی که مأمور نگاهداری آرشیو
 است. (فرهنگ عمید)

آرقه - (خوانسار) آرغه، آر، آسیا،
 طاحونه، آسیاب || مورد ثبت ششدانگ
 یک باب آرقه واقعه در محله دم دورا.
 (دوراه)

آرم - (فرانسوی) علامت مخصوص
 یک دولت یا یک اداره یا بنگاه که روی
 کاغذ یا چیز دیگر نقش کنند (فرهنگ
 عمید) || نشانه. (فرهنگستان)

|| آرم جمهوری اسلامی ایران، نشان
 و علامت دولت جمهوری اسلامی ایران
 - یکی از مشخصات شناسنامه «آرم
 جمهوری اسلامی ایران» است. (بند ۱
 ماده ۳۶ قانون ثبت احوال)

چاهی که آب از دهانه آن فوران کند. این
 چاه را بیشتر میان دره بین دو دامنه حفر
 می‌کنند و در اثر فشار آب که از دو دهانه
 چاه فوران می‌کند. (فرهنگ عمید) ||
 در ضلع جنوبی مزرعه یک حلقه چاه
 آرتزین وجود دارد که مزرعه مورد ثبت و
 اراضی مجاور را مشروب می‌نماید. (مؤلف)
 آرتیکل - (فرانسوی). بند، فصل، ماده،
 موضوع، فقره. در اصطلاح بازرگانی:
 کالا، مال التجاره. (فرهنگ عمید)

آرد - نرمه و آس کردهٔ حبوب. گردی
 که از کوبیدن یا آسیاکردن غلات بدست
 آید. آرد گندم، آرد جو، آرد برنج،
 (فرهنگ معین)

آردال - آردل، فراش، مأمور اجرا.
 (فرهنگ عمید)

آردبیز - آک، غربال، تنگ بیز.
 (فرهنگ عمید). || غریبل، غلبیل، کم.
 (بیدهند خوانسار) (مؤلف)

آرزه - کاهگل، خاکی که با کاه آمیزند
 و گل سازند و بر در و دیوار و بام خانه
 مالند. (فرهنگ معین)

آرشی تحت - (فرانسوی) مهندس

بلا. (لغت‌نامه دهخدا) || آزمون سردفتری اسناد رسمی و ازدواج و طلاق. (مؤلف)

- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از طریق انتشار آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و مراکز استان یا به هر طریق ممکن از متقاضیان برای ثبت نام و شرکت در آزمون سردفتری ازدواج و طلاق دعوت به عمل خواهد آورد. (بند ۱۴۵ مجموعه بخشنامه‌ها)

آژانس - (فرانسوی) نمایندگی، کارگزاری، بنگاهی که به نمایندگی بنگاه دیگر کارهایی را انجام بدهد. (فرهنگ عمید) || آژانس معاملات. (فرهنگ معین) آژند - گلی که در ساختمان روی سنگ یا آجری کشند و بعد سنگ یا آجر دیگر را روی آن می‌گذارند. به عربی ملاط می‌گویند. (فرهنگ عمید)

آژندین - پُر کردن درزهای سنگ یا آجر با گِل یا ملاط || آژنده: آن که ملاط روی سنگ یا آجر می‌کشد. آژندیده: سنگ یا آجر که ملاط روی آن کشیده شده. (فرهنگ عمید)

آزاد نامه غلامان - قباله‌ای که مالک غلام به او می‌داده و او را از بردگی رها می‌کرده است. (قباله نویسی در ایران. محمد علی اختری)

آزمایشگاه - جای آزمایش، محل امتحان. جایی که در آن آزمایشهای علمی و فنی به عمل آورند. (فرهنگ عمید)

- به منظور اجرای ماده ۲۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر مصوب ۵۹/۳/۱۹ شورای انقلاب... لازم است آزمایشات مزبور در یکی از واحدهای آزمایشگاهی تعیین شده از طرف وزارت بهداشتی انجام شود و آزمایشگاههای بخش خصوصی مجاز به انجام آزمایش تشخیص اعتیاد در اجرای قانون مذکور نمی‌باشند. (بخشنامه اداره کل آزمایشگاهها به سازمان ثبت کشور در رابطه با ثبت ازدواج در دفاتر ازدواج با گواهی عدم اعتیاد سال ۱۳۶۰)

آزمون - آزمایش، امتحان، تجربه،

آسایش و استراحت و درمان بیماران ویژه یا استراحتگاه نظامیان، سربازان یا اشخاص دیگر.

آسیبان - آسیابان. (فرهنگ عمید) ||
لوینه (بید هَند خوانسار)

آسپست - گیاهی که آن را یونجه گویند، اسپرس، (لغتنامه دهخدا) ||
اسپس. (خوانسار)

آستان - آستانه، درگاه، جلو در، کفش کن. (فرهنگ عمید) || آستانه در، دم در، جلو در. (مؤلف)

آس خانه - آسیاخانه، آسیاب، آسکده. (لغتنامه دهخدا)

آسمان خانه - سقف. (فرهنگ معین)

آسمان خَراش - آسمان سَای، بسیار بلند، عمارت بسیار بلند که سر بر آسمان کشیده باشد و برخی از آنها تا صد طبقه هم می‌رسد. آسمان رند هم گفته شده. (فرهنگ عمید) || به ساختمانهای

بسیار بلند برج هم می‌گویند. (مؤلف)
آسه - آس، سنگ آسیا. (فرهنگ عمید)

آسیا - آسیاب، جای خرد کردن گندم

آژیر - آبگیر، آبدان، (لغتنامه دهخدا)

آس - دو سنگ مسطح و گرد بر هم نهاده که غلات را با آن آرد می‌کنند.

سنگ زیری ساکن و سنگ بالایی متحرک است اگر به قوه آب حرکت کند

آن را آسیاب «اس آب» می‌گویند و اگر با دست بگردانند «دستاس» و اگر به

توسط خر بگردد، «خرآس» می‌گویند و آن را که به قوه باد حرکت کند، آسیای

بادی و آن را که به وسیله موتور بچرخد آسیای دودی یا آسیای موتوری

می‌گویند (فرهنگ عمید)
آسانسور - (فرانسوی) بالارو.

دستگاهی که در ساختمان‌های چند آشکوب نصب می‌کنند و به قوه برق حرکت می‌کند و به وسیله آن از روی

زمین به طبقات بالا می‌روند یا از طبقات بالا فرود می‌آیند. (فرهنگ

عمید) || آسان بر (برای حمل انسان)، بالابر (برای حمل بار)، (فرهنگستان)

آسایشگاه - جای آسایش، محل استراحت. (فرهنگ عمید) || محل

استراحت. (فرهنگ عمید) || محل

- و جو و حبوبات. به آس رجوع شود.
- آغالییش - بر باد دادن خرمنگاه و غیره. (فرهنگ اسدی)، (لغتنامه دهخدا)
- آغشته - خیسانیده، خیس کرده، آمیخته. (لغتنامه دهخدا) || آغشته به جوهر، آلوده به جوهر، تر کرده به جوهر، معمولاً هنگام اخذ اثر انگشت اشخاص در ذیل اسناد و ثبت دفاتر، نوک انگشت سبابه را به جوهر یا مرکب آغشته و در محل مورد نظر می‌گذارند. (مؤلف)
- آغل - جایی در کوه یا در خانه که برای جا دادن گوسفند در شب درست کنند. (فرهنگ عمید)
- آغول - آغل، زاغه. (لغتنامه دهخدا)
- آغیل - ستورگاه، آغل، ستورخانه، اصطبل (لغتنامه دهخدا)
- آفت - آسیب، زیان، بلا. (لغتنامه دهخدا)
- در اجاره عقار آفت زراعت از هر قبیل که باشد به عهده مستأجر است مگر این که در عقد اجاره طور دیگری شرط شده باشد. (ماده ۵۰۶ ق.م)
- آفتابچی خانه - مهمانسرای (فرهنگ جهانگیری)، (مبسوط) || محل پذیرایی
- هر کس حق دارد از نهرهای مباحه، اراضی خود را مشروب کند یا برای زمین و آسیاب و سایر حوایج خود از آن نهر جدا کند. (ماده ۱۵۵ ق.م)
- آشپزخانه - جای پخت و پز، محل طبخ غذا. || آشپزخانه اوپن: آشپزخانه باز. (فرهنگستان)
- آشکوب - (کلمه پهلوی) سقف، بام، طبقه خانه (لغتنامه دهخدا)
- آغا - کلمه احترام که با نام شخص بخصوص با نام زنان و خواجه سرایان ذکر می‌شود. درباره مردان «آقا» می‌گویند. (فرهنگ عمید)
- آغاچ - درخت، چوب || به معنی فرسنگ هم گفته شده (فرهنگ عمید)
- آغاچی - آغاچی، آغجی، حاجب و پرده دار و چون واسطه و ابلاغ میان شاه و مردم یا وزراء بوده است. (لغتنامه دهخدا)
- آغاز - شروع، ابتدا، ابتدای کار. (فرهنگ عمید) || آغاز عملیات تحدید حدود. (مؤلف)

رسانه‌های گروهی به اطلاع عموم یا شخص و یا اشخاص معین برسانند. مثل آگهی‌های نوبتی و تحدیدی و اجرایی ثبت. (مؤلف)

خود جهان جان سراسر آگهی است
هر که بی جان است از دانش تهی است
مولوی

آگهی ابلاغ اجرائیه - ۱ - اگر محل اقامت بدهکار در سند تعیین نشده باشد یا محلی که تعیین گردیده موافق با واقع نباشد یا به جهاتی محل مزبور از بین رفته یا اساساً شناخته نشود اجرائیه یا اختطاریه ظرف ۲۴ ساعت در یکی از روزنامه‌های کثیر الانتشار محل یا نزدیکترین فقط یک مرتبه آگهی خواهد شد... (ماده ۱۷ آئین نامه اجرا)

۲ - هرگاه مدیون قبل از ابلاغ اجرائیه فوت نماید علاوه بر این که به معرفی بستانکار اوراق اجرایی به کلیه وراثت مدیون ابلاغ می‌شود در مورد اموال غیر منقول علاوه بر ابلاغ اجرائیه به شرح فوق باید مراتب در روزنامه کثیر الانتشار محل یا نزدیکترین محل

از مهمان و مسافر. (مؤلف)

آفرین خانه - نمازخانه، جایی که در آن عبادت کنند. (فرهنگ معین)

آقا - (لغت مغولی). برادر بزرگ و عمه و سید، خواجه، کیا، مهتر، سرور، میر، مولی، صاحب. (لغت نامه دهخدا)

آقاسی - بزرگ، مهتر، سرور، داروغه دیوان خانه، بزرگ در خانه. (فرهنگ عمید)

آقچه - واحد آب که مقدارش در هر جا فرق می‌کند. معمولاً تقریباً ۱۲ ساعت است. || نوعی سکه دوره ایلخانان. (مالک و زارع در ایران)

آق سَقَل - (ترکی) آقا سقل، ریش سفید (مالک و زارع در ایران)

آکام - زمینهای بلند، تل‌ها، تپه‌ها، سنگلاخ‌ها. (لغت نامه دهخدا)

آگهی - اطلاع، آگاهی، خبر، نوشته‌ای که به وسیله آن مطلبی را به اطلاع مردم برسانند. (فرهنگ عمید)

- موضوع یا مطالبی که از طرف شخص یا مؤسسه‌ای، وزارتخانه‌ای، سازمانی، اداره‌ای و... به وسیله جراید یا

از روزنامه‌های مرکز یا محلی چاپ و منتشر می‌شود.

نمونه آگهی افتتاح دفترخانه:

دفتر اسناد رسمی شماره..... به ازدواج
سردفتری..... از روز..... مورخ.....
در محل..... افتتاح و شروع به کار خواهد نمود.

مدیر کل ثبت استان.....

آگهی الصاقی - آگهی است که در محل وقوع ملک یا موضوع آگهی به در و دیوار یا محل نصب آگهی‌ها (در صورتی که وجود داشته باشد) الصاق و نصب می‌شود. در اصطلاح ثبت به آگهی «پشت سفید» معروف است.

- علاوه بر انتشار آگهی‌های نوبتی و تحدیدی ملک در روزنامه چند نسخه از آگهی مزبور برای اطلاع اهالی در محل‌های عمومی ملک مورد تقاضا و قراء مجاور به وسیله مأمورین ثبت نصب می‌گردد. (ماده ۵۴ آئین نامه ثبت املاک ۱۳۱۷)

آگهی تحدید حدود - بعد از انتشار اولین آگهی نوبتی و قبل از انجام

یک نوبت آگهی شود. (ماده ۱۹۸ همان آئین نامه)

آگهی ابلاغ کیفر خواست و دادنامه - هرگاه ابلاغ کیفر خواست‌های صادره از طرف دادستان دادگاه انتظامی سردفتران و دفتریاران علیه سردفتران و دفتریاران متخلف و یا دادنامه‌های مربوطه به وسیله مأمور ابلاغ ثبت میسر نگردد، مفاد کیفر خواست یا دادنامه‌ها طی آگهی برای یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار که برای آگهی‌های رسمی ثبتی معین گردیده است آگهی می‌شود. (ماده ۲۴ آئین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی و ماده ۹۴ آئین دادرسی مدنی)

آگهی افتتاح دفتر اسناد رسمی یا دفتر ازدواج و طلاق - بعد از صدور حکم سردفتری و انجام یک سری مقدمات محل دفتر در هر شهر یا روستا به معرفی سردفتر و موافقت اداره ثبت محل تعیین می‌شود. سپس طبق معمول برای اطلاع اهالی محل با هزینه سردفتر آگهی افتتاح یک نوبت در یکی

املاک و اراضی و باغات «قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک» از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. به موجب تبصره ۶ ماده یک قانون مذکور، ادارات ثبت مکلف شدند که حداکثر ظرف مدت سه ماه با نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار محل و الصاق آگهی در معابر و اماکن عمومی مراتب را به اطلاع سازندگان ساختمانها برسانند که در مدت یک سال از تاریخ انتشار آگهی درخواست خود را همراه مدارک در قبال اخذ رسید به اداره ثبت محل تسلیم نمایند.

یادآوری: این قانون تا سال ۱۳۷۶

چند بار با تغییراتی تمدید و آگهی شد.

آگهی تقاضای سند موضوع مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون اصلاحی قانون ثبت - در مواردی که متصرف با در دست داشتن سند عادی تقاضای سند رسمی دارد، پس از رسیدگی هیأت حل اختلاف پیش بینی شده در قانون مزبور و احراز تصرف

عملیات تعیین حدود برابر ماده ۱۶۶ آئین نامه قانون ثبت املاک و با رعایت ترتیب نمره املاک برای مشخص کردن حدود و حقوق ملک آگهی تحدیدی در یک نوبت منتشر خواهد شد. در آگهی تحدیدی پس از ذکر نام و نام خانوادگی متقاضی ثبت و شماره پلاک و نوع ملک و محل وقوع آن، روز و ساعت انجام تعیین حدود ذکر و به اطلاع مالک و مجاورین می‌رسد.

- فاصله بین انتشار آگهی تحدیدی و روز تعیین حدود نباید کمتر از بیست روز و بیشتر از شصت روز باشد. (ماده ۶۷ همان آئین نامه)

آگهی تحدید حدود اختصاصی - هرگاه در روز تحدید حدود به دلایلی عملیات تحدید حدود انجام نشد، بعداً حسب درخواست متقاضی ثبت و به هزینه وی آگهی تحدید حدود اختصاصی منتشر می‌شود.

آگهی تعیین تکلیف اعیان املاک و اراضی کشاورزی و باغات - در سال ۱۳۶۵ برای تعیین وضع ثبتی اعیان

۱. آگهی تحدیدی منتشر نخواهد شد مگر پس از نشر اولین آگهی نوبتی.

آگهی فقدان سند مالکیت - در مواردی که مالک به علت از بین رفتن یا گم شدن سند مالکیت تقاضای صدور المثنی سند مالکیت می‌نماید، به هزینه وی، موضوع یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا یکی از روزنامه‌هایی که آگهی‌های ثبتی در آن درج و منتشر می‌شود به عنوان «آگهی فقدان سند مالکیت» چاپ و منتشر می‌گردد تا چنانچه ظرف ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراضی نرسد یا در صورت اعتراض، عین سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشده باشد اداره ثبت محل اقدام به صدور سند مالکیت المثنی نماید. (تبصره ۱ ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت املاک ۱۳۵۳)

یادآوری: در صورتی که به اظهار مالک هنگام درخواست سند المثنی، بهای ملک بیش از ده میلیون ریال نباشد اداره ثبت بدون آگهی پس از احراز از بین رفتن یا گم شدن سند مالکیت، نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کرد. (مؤلف)

مالکانه متقاضی، مراتب به اداره ثبت اعلام تا در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز به نحو مقتضی آگهی نماید. (بند ۶ از ماده ۱ اصلاحی قانون ثبت)

آگهی حراج - حراج اموال منقول بدون تشریفات انتشار آگهی خاص در روزنامه، با آگهی الصاقی در مرکز یا مراکز حراج به عمل می‌آید.

- فاصله انتشار آگهی الصاقی با اولین روز حراج نباید از ۱۵ روز کمتر باشد آگهی‌ها در مرکز حراج باید تا آخرین ساعت اداری روز فروش یا واگذاری مال در تابلو آگهی‌ها محفوظ نگاه داشته شود. (ماده ۱۴۳ آئین نامه اجرا ۱۳۵۵)

آگهی فروش کشتی - در مورد فروش کشتی‌های تابع ایران، سازمان بنادر و کشتیرانی مکلف است انجام معامله را در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز در سه نوبت و هر نوبت به فاصله ۱۰ روز آگهی نماید. هزینه آگهی‌ها موقع انجام معامله از فروشنده دریافت می‌گردد. (ماده ۲۵ مقررات قانون دریایی ۱۳۴۳)

می‌نماید. (ماده ۵۲ آئین نامه قانون ثبت املاک ۱۳۱۷)

- آگهی‌های مربوط به هر بخش باید در روزنامه معینی منتشر شود که در آخر هر سال برای سال بعد از طرف اداره کل ثبت تعیین شده و به اطلاع عموم خواهد رسید. (ماده ۵۳ همان آئین نامه)

- در آگهی‌های نوبتی حقوق ارتفاقی ذکر نمی‌شود ولی باید در زیر آگهی‌ها قید کرد که حقوق ارتفاقی در موقع تعیین حدود در صورت مجلس منظور می‌گردد و اگر معترضی باشد در مدت سی روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس دادخواست اعتراض بدهد. (ماده ۵۶ همان آئین نامه)

- در پیش نویس آگهی‌های نوبتی و تحدیدی باید مراقبت شود که کلمات روشن و خوانا بوده و در اسامی درخواست کنندگان ثبت و شماره و اسم املاک اشتباهی نشود و لازم است اولین نسخه آگهی چاپ شده قبلاً در اداره ثبت با پیش نویس آگهی مطابقت شود و پس از غلط‌گیری به چاپ آن اقدام گردد.

آگهی مزایده - هرگاه در اجرای سند ذمه‌ای مالی بازداشت شود پس از ارزیابی و قطعیت آن، آگهی مزایده برای فروش آن منتشر می‌شود. (بند ب ماده ۱۱۱ آئین نامه اجرا)

آگهی‌های نوبتی - بعد از قبول درخواست ثبت و تنظیم اظهار نامه به نام اشخاص، آگهی در دو نوبت به فاصله سی روز زیر عنوان «آگهی نوبتی» با ذکر نام و نام خانوادگی متقاضی و شماره پلاک و نوع و محل وقوع آن به ترتیب در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی و یا نبودن روزنامه در محل در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز برای اطلاع عموم چاپ و منتشر می‌گردد تا هرکس نسبت به آن ملک معترض باشد اعتراض خود را در موعد قانونی به اداره ثبت تسلیم نماید.

- آگهی‌های نوبتی و تعیین حدود را اداره ثبت در یکی از جراید حوزه خود و یا در یکی از جراید نزدیکترین حوزه خود و یا در یکی از جراید مرکز منتشر

مقرر فوق آگهی نشده باشد باید در آگهی‌های سه ماه بعدی منتشر گردد. تبصره ۳ - در مواردی که روز انتشار آگهی نوبت اول با تعطیل عمومی تصادف نماید باید نوبت اول آن آگهی بلافاصله روز بعد از تعطیل منتشر گردد و در این صورت مبدأ مدت واخواهی از همان روز انتشار اولین آگهی نوبتی خواهد بود. (ماده ۵۹ همان آئین نامه)

(ماده ۵۷ همان آئین نامه)

- آگهی‌های درخواست ثبت املاک مجهول‌المالک در هر سال با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون به طریق زیر باید منتشر شود:

۱ - درخواست‌های ثبت قبول شده در فروردین و اردیبهشت و خرداد هر سال در اول مرداد ماه همان سال.

۲ - درخواست‌های ثبت قبول شده در تیر و مرداد و شهریور ماه هر سال در اول آبان ماه همان سال.

۳ - درخواست‌های ثبت قبول شده در مهر و آبان و آذر ماه هر سال در اول بهمن ماه همان سال.

۴ - درخواست‌های ثبت شده در دی و بهمن و اسفند ماه هر سال در اول اردیبهشت ماه سال بعد.

تبصره ۱ - آگهی‌هایی که طبق دستور هیأت نظارت باید تجدید شود ضمن آگهی‌های فوق در قسمت مخصوص با قید عنوان «آگهی‌های اصلاحی» منتشر می‌گردد.

تبصره ۲ - هرگاه ملکی در موعد



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی